



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تأثیرهای اجتماعی
اعتقاد به مهدویت
از دیدگاه جامعه‌شناسی

حسن عبدی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه شناسی

نویسنده:

حسن عبدی پور

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه شناسی
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	تأثیر دینی - اجتماعی
۸	اشاره
۸	گرامیداشت مراسم نیمه شعبان
۸	برگزاری ادعیه خاص حضرت
۸	توجه به اماکن ویژه حضرت
۸	صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر
۹	توجه به نظارت حضرت در شب‌های قدر بر کارنامه سالیانه افراد
۹	توسل‌های جمعی به حضرت
۹	اشاره
۹	منصب پناهگاهی و فریادرسی
۱۰	راه‌رهایی از دشواری‌ها
۱۰	اثرات تربیتی - اجتماعی
۱۰	انتظار امام و امت
۱۰	اشاره
۱۲	ایجاد روحیه امیدواری به آینده‌ای روشن
۱۲	غایت‌مند سازی خلقت
۱۳	عناصر غایت‌گرایانه در ادیان
۱۳	تأثیرهای سیاسی - اجتماعی
۱۳	اشاره

- انتظار توأم با صبر ۱۴
- ادعای مهدویت ۱۴
- ایجاد انقلاب‌های سیاسی در جوامع ۱۶
- اشاره ۱۶
- علل موجبه انقلاب اسلامی ۱۶
- علل پیروزی و موفقیت انقلاب اسلامی ۱۶
- علل تداوم و استمرار انقلاب ۱۷
- نکته‌ی آخر در بررسی بیشتر انقلاب‌ها ۱۷
- پاورقی ۱۷
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۸

تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی

مشخصات کتاب

پدید آورنده: حسن عبدی پور

ناشر: انتظار ۱۳۸۱

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصل‌های اندیشه‌ی تشیع که در عصر غیبت، استمرار تعلیمات ناب اسلامی و شیعی را در جوامع مسلمان سبب شده و راه پیش روی بشریت و آینده‌ی آنان را تا پایان تاریخ روشن ساخته، اصل اصیل مهدویت است. این اصل امید بخش، حرکتی است از سرچشمه‌ی توجه به امام و هادی و راهبری زنده و آسمانی اما در پس پرده‌ی غیب. با تمسک به این اصل روشن، مؤمنان و مسلمانان، هرگز، در دنیای مدرن و صنعتی و بی‌خدایی معاصر، تنها و سرگشته نمی‌مانند و در هر فتنه و مصیبتی - آن گونه که در بیان زیبای روایات آمده است - به حصن حصین این اندیشه‌ی الهی (انتظار فرج) پناه می‌برند و برای حل مشکلات فردی و اجتماعی خود از آن یار غایب از نظر، چاره‌جویی می‌کنند. اینک، در دنیایی که در آن، حکام و سیاست‌مداران، در پی اجرای دستورها و فرمان‌های الهی نیستند، بلکه می‌خواهند هر چه بیش‌تر به مطامع مادی خویش دست یابند، اندیشه‌ای که می‌تواند به معنای واقعی کلمه «منجی» و نجات بخش بشریت از آلام بی‌خدایی و افسردگی باشد، همانا اندیشه‌ی مترقی «مهدویت» است. پرداختن به این اندیشه و کاویدن زوایای گوناگون آن، اندیشه‌ی احیای مجدد دین در عصر کفر را به ارمغان می‌آورد. آن چه ضرورت پرداختن به این مبحث مهم را دو چندان می‌کند، لزوم تدارک تئوریک برای حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران است. حکومت دینی ما بر طرح تئوریک «تبیین و ترویج فرهنگ مهدویت» و پژوهش در عرصه‌های گوناگون مرتبط به این امر، متولد شده است. در تبیین تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت بر جامعه، ابتدا می‌توان دو نوع کلی تأثیر اجتماعی را بازشناسی کرد. نوع یکم «تأثیر غیر مستقیم» بر جامعه است. در این بخش، فرایند عینی اعتقادات، از جمله اعتقاد به مهدویت، مجموع جامعه، اعم از معتقدان و غیر معتقدان، را متأثر می‌سازد؛ یعنی، بسیاری از فرایندهای جمعی و گروهی در جامعه، پس از ایجاد، دارای انعکاس و بازتابی وسیع‌تر از حیطه‌ی گروه ایجاد کننده است. در بررسی تأثیرهای اجتماعی مهدویت، از این نوع تأثیرها نمی‌توان غافل بود. البته، توضیح بیش‌تر این‌ها، در بخش «تأثیرهای مستقیم» بیان می‌گردد. تأثیرهای مستقیم هر فرایند آگاهانه، عمدتاً، از اتخاذ مبانی بینشی و نگرشی خاص در مورد موضوع مورد نظر و در افراد و گروه‌های مرتبط، شکل می‌پذیرد. این نگرش و بینش را می‌توان در حیطه‌ی امور دینی، به اعتقاد تعبیر کرد. شکل‌گیری بینش و نگرش در درون افراد، واکنش‌هایی را در حیطه‌ی رفتاری آنان به وجود می‌آورد که می‌توان از آن به کنش‌های رفتاری تعبیر کرد. آن گاه که کنش‌های رفتاری از حد فرد گذشت و به گروه‌ها منتقل شد و واکنش‌های رفتاری به نحو جمعی صورت پذیرفت، فرایند «تأثیر و تأثر اجتماعی» آغاز می‌گردد. اعتقاد به مهدویت نیز آن گاه که از حد بینش و نگرش می‌گذرد و به حیطه‌ی رفتاری - و خصوصاً رفتار فردی - سرایت کند، دارای تأثیرها و نمودهای عینی بر جامعه‌ی دینداران خواهد بود. برای بررسی تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، از منظر جامعه‌شناختی، لازم است در ابتدا به ابعاد گوناگون این تأثیرها اشاره شود. ابعاد اجتماعی تأثیرهای اعتقاد به مهدویت، عمدتاً، به سه گروه «دینی - اجتماعی» و «تربیتی - اجتماعی» و «سیاسی - اجتماعی» تقسیم می‌شود.

تأثیر دینی - اجتماعی

اشاره

تأثیر دینی - اجتماعی مهدویت، عمدتاً، شامل رفتارهای دینی می‌گردد که به نحو جمعی صورت می‌پذیرد. به عنوان شاخص‌هایی از این بُعد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گرامیداشت مراسم نیمه شعبان

نیمه‌ی شعبان، عید انتظار، عید نور، عید عدالت جهانی، عید اعلام نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه به منتظران، و نمایش شادمانی‌ها و زوال تاریکی‌ها و امتیث و وحدت در جامعه‌ی جهانی اسلام است.

برگزاری ادعیه خاص حضرت

در حقیقت، دعا و توسل، دو نیاز آدمی و دو بال پرواز او برای فرار از دل‌مردگی حاکم بر فضای زندان دنیا هستند. همین امر، انسان را بر آن می‌دارد تا در پی دستیابی به عواملی باشد که او را در راه درک مفاهیم ادعیه و زیارت، یاری می‌رسانند. در یک کلمه باید گفت، ترتیب و فراز و نشیب دعا با نیازهای پیچیده‌ی روح انسانی، هماهنگ است.

توجه به اماکن ویژه حضرت

مسجد جمکران، در حال حاضر، میعادگاه میلیون‌ها انسان عاشق و علاقه‌مندی است که به شوق دیدار و توسل و ایجاد ارتباط در آن گرد هم می‌آیند تا با مقتدای خویش تجدید میثاق کنند. امام مهدی (عج) به حسن جمکرانی فرموده‌اند: «به مردم بگو، به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز دارند». این مکان مقدس، تحت توجهات خاصه‌ی حضرت بقیه‌الله الأعظم، ارواحنا فدا، قرار دارد.

صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر

صدقه دادن برای سلامتی حضرت، از جمله تکالیفی است که منتظران آن امام بزرگوار، در عصر غیبت بر عهده دارند. بدون شک، آن حضرت، بی‌نیاز از آن است که منتظران، برای سلامتی‌اش صدقه بدهند، ولی ابراز ارادت به آن بزرگوار و اعلام تبعیت از آن حضرت، نشانه‌ها و علایمی دارد که از آن جمله می‌توان علاقه به سلامتی حضرت‌اش را عنوان کرد. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که «هیچ بنده‌ای ایمن نیاورد، مگر آن که من، نزد او، از خودش محبوب‌تر باشم، و خاندان‌ام، از خاندان‌اش، نزد او محبوب‌تر باشند، و عترت من، نزد او، از عترت خودش محبوب‌تر باشند، و ذات من، از ذات خودش، نزد او محبوب‌تر باشد» [۱]، با این حساب، اگر برای سلامتی خود یا خانواده‌ی خودمان صدقه می‌دهیم، باید برای سلامتی کسی که از ما و خاندان‌مان عزیزتر است، صدقه بپردازیم. مرحوم سید بن طاووس به فرزندش چنین سفارش می‌کند: «... پس در پیروی و وفاداری... نسبت به آن حضرت به گونه‌ای باش که خداوند و رسول او و پدران آن حضرت و خود او از تو می‌خواهند. حوائج آن بزرگوار را بر خواسته‌های خود مقدم بدار، هنگامی که نمازهای حاجت را به جای می‌آوری. صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزان‌ات قرار بده. [۲]. هدیه دادن ثواب اعمال مستحب به آن امام شریف، از دیگر مصادیق ابراز ارادت به آن حضرت است. در زندگی روزمره، هدیه و چشم‌روشنی، گذرگاهی برای اعلام دوستی و نیز رفع کدورت‌ها است. روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص وارد شده است در روایت آمده است: به هم دیگر هدیه بدهید تا رشته‌ی محبت‌تان استوار شود؛ زیرا،

هدیه، محبت را بیفزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد. [۳]. هدیه کردن پاداشِ اعمال به امام عصر علیه السلام منحصر به ثواب نماز نیست، بلکه ثواب و پاداش هر عمل خیری را می‌توان مشمول این نکته قرار داد. مرحوم نوری طبرسی در النجم الثاقب، حج کردن به نیابت از سوی آن حضرت را مثال زده است و گفته، این کار، از قدیم، در میان شیعیان، امری مرسوم بوده است. [۴]. هدیه‌ی پاداشِ اعمال نیک به ساحت قدسی حضرت مهدی علیه السلام امر پیچیده‌ای نیست و به مقدمات عریض و طویلی نیاز ندارد، بلکه همین که انسان نیت کند ثواب فلان عمل نیک، هدیه‌ای به امام عصر علیه السلام باشد، کفایت می‌کند. هدیه دادن پاداشِ اعمال نیک به حضرت ولی عصر علیه السلام، قبولی و ازدیاد پاداش را به دنبال می‌آورد.

توجه به نظارت حضرت در شب‌های قدر بر کارنامه سالیانه افراد

شب قدر، همان شبی است که در تمام سال، شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن، بهتر از عمل در هزار ماه است. در آن شب، امور سال، مقدر می‌شود و ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است - به اذن پروردگار، در آن شب به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان علیه السلام مشرف می‌شوند و آن چه برای هر کس مقدر شده است، بر امام علیه السلام عرضه می‌دارند.

توسل‌های جمعی به حضرت

اشاره

ما، در توسل‌ها که واژه‌ی «شفیع» را به کار می‌بریم، ابعاد فردی و شخصی و انسانی آن را در نظر می‌گیریم، اما هنگامی که واژه‌ی «منجی» و «موعود» را به کار می‌بریم، رسالت اجتماعی را در نظر می‌گیریم. «منجی» جمع و جامعه و روابط اجتماعی و... را نجات می‌دهد. چون در روابط اجتماعی، تعدی وجود دارد، استعمار و استعباد به وجود می‌آید و عده‌ای، برای همیشه، از حقوق انسانی محروم می‌شوند. در این جا «منجی»، معنا دارد. رسالت اجتماعی این است که انسان‌های مستضعف را که نظام‌های اجتماعی، به دلایل مختلف، آنان را اسیر خود و خواسته‌های مادی شان کرده‌اند، برهاند. او، بندهای استعمار و... را پاره می‌کند و زمینه را برای رشد و استفاده از قابلیت‌های انسانی فراهم می‌کند. در حدیث آمده است که «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». قسط و عدل، واژه‌های اجتماعی‌اند، نه فردی. ایشان می‌آید تا جوامع را نجات بدهد و روابط قدرت را که نامتعادل است، تعادل بدهد و روابط ثروت را که نامتوازن است، موزون کند و روابط منزلت و حیثیت را که نامتوازن است، سر و سامان دهد. از حقایق تاریخی و بیانات روایی و نظایر آن، استفاده می‌شود که حضرت حجه بن الحسن (عج) پیوسته، پناه بیچارگان‌اند و هرگاه شخصی درمانده شود و از ایشان استمداد کند، به فریادش خواهند رسید. این مسئله، از دو جهت اهمیت دارد: یکی این که امام زمان (عج) پناه و فریاد رس همگان است و دیگر این که از وظایف شیعیان، این است که در شداید و گرفتاری‌ها، به آن حضرت توسل جویند تا آنان را از دشواری‌ها برهاند و مشکلات‌شان را چاره سازد. بحث گسترده درباره‌ی این دو جهت و شرح حال نجات یافتگانی که در طول زمان غیبت به آن قدرت الهی رو آورده و از لطف‌اش بهره‌مند گشته‌اند، از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، امّا به اختصار، مطالبی را یادآور می‌شویم:

منصب پناهگاهی و فریادری

از مناصب الهی و شئون ولایی امام عصر (عج) پناه دادن در ماندگان و فریادری بیچارگان است. در زیارتی که سید بن طاووس نقل کرده، خطاب به آن حضرت می‌خوانیم: سَلَامُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ صِلَاؤُهُ عَلَى مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَ

التور.... وَالْكَهْفَ وَالْعَصْدِيكِي از القاب آن بزرگوار، «كهف» است. كهف، به معنای پناهگاه است. او، ملجأ هر دردمند و پناهگاه هر گرفتاری است که به حضرت‌اش پناه آورد و به آستان‌اش دست نیاز برآورد. در همان زیارت آمده است: **السَّلَامُ عَلَي مُفْرَجِ الْكُرْبَاتِ** [۵]. سلام بر گشاینده‌ی سختی‌ها و دشواری‌ها. در دعای بعد از نماز زیارت آن حضرت نیز چنین عرضه می‌داریم: **اللَّهُمَّ! صَلِّ عَلَي حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ....** و **مُفْرَجِ الْكَرْبِ وَ مُزِيلِ الْهَمِّ وَ كَاشِفِ الْبَلْوَى** [۶]. پروردگارا! درود و رحمت فرست بر حجت‌ات در زمین‌ات.... که گشاینده‌ی رنج و مشقت و بر طرف کننده‌ی اندوه و غم و دافع بلیات است. یکی دیگر از القاب حضرت مهدی (عج)، «غوث» و «غیاث (فریادرس)» است. در زیارت آل یاسین می‌گوییم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْئُوبُ وَ الْغُوثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ** [۷]. سلام بر شما ای پرچم برافراشته شده و ای دانش سرشار (ریخته شده) و ای فریادرس و رحمت گسترده‌آری، او، «كهف» و پناهگاه است، «غوث» و فریادرس است، «مُفْرَجِ الْكَرْبِ» و گشاینده‌ی رنج است و «مزيل الهام» و زداینده‌ی غم است، «كاشف البلوى و برطرف کننده‌ی بلا است.

راه‌هایی از دشواری‌ها

شیعه، هرگز در برابر دشواری‌ها و مشکلات زندگی، از پای در نمی‌آید و به هنگام سختی‌ها و شداید، خود را نمی‌بازد و در هجوم درد و رنج، از درون نمی‌شکند، بلکه به صاحب امر خویش، یعنی حضرت مهدی (عج) متوسل شده و شفای درد و حل مشکلات را از آن چشمه‌ی رحمت و معدن مهربانی و فتوت می‌جوید. چه بسا اگر انسان در موقع اضطراب و گرفتاری از امام زمان‌اش غافل بماند و به جای استمداد از او به دیگران - که خود، محتاج لطف و نیازمند فیض وی هستند - دست نیاز دراز کند، در انجام دادن وظیفه کوتاهی و به ولی نعمت و مولای خویش بی‌اعتنایی کرده باشد، و از این رو، سزاوار نکوهش است. از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که فرموده‌اند: **إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَي اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»**؛ هرگاه سختی و دشواری به شما رو آورد، به واسطه‌ی ما از درگاه الهی کمک بخواهید. همین است مراد سخن خداوند که فرموده: «و برای خدا، نام‌های نیکو است پس او را به آن نام‌ها بخوانید». گر چه برای استمداد از امام زمان (عج) دعاها و نمازهای مخصوصی وارد شده و توسلات و عریضه‌نگاری‌ها و زیارت‌هایی نقل گردیده که هر یک نیز در تقرب به آن حضرت و نجات از اندوه و پریشانی، تأثیر به‌سزایی دارد، ولی آن چه سبب عنایت خداوند و لطف مولا - می‌گردد، پیوند قلبی و ارتباط روحی با حضرت‌اش است. از این رو، کمک خواستن از آن بزرگوار، منحصر به الفاظ و کیفیت مخصوص و زمان و مکان ویژه نیست، بلکه هر وقت و هر جا دل سوخته‌ای از ژرفای جان و از صمیم قلب، حجت خدا را بخواند و به حقیقت دست نیاز به سوی وی دراز کند و دل از هر چه غیر او است، برگردد و مضطر لطف و عنایت‌اش گردد، قطعاً، مورد توجه آن بزرگوار قرار می‌گیرد و از گرفتاری و رنج و محنت‌هایی می‌یابد.

اثرات تربیتی - اجتماعی

انتظار امام و امت

اشاره

«امام و امت هر دو منتظرند: امت، در انتظار امام و منتظر خویش است و امام نیز همواره در انتظار به سر می‌برد. پس منتظر امت خود منتظر است؛ یعنی، چشم به راه فرشته‌ی حق است که در رسد و پیام قیام را برساند و او را به ظهور فراخواند تا او در پهنه‌ی آشکار زندگی، گام گذارد و رستاخیز خویش را بیاغازد و انقلابی اصولی و فراگیر در کار زندگی انسان درافکند و آن همه کوشش‌های

نافرجام برای ساختن جامعه‌ی انسانی را به فرجامی راستین برساند و رسالت الهی خویش را که برای آن ذخیره شده است، به انجام برد. انتظار، در روان ژرف و بیکران امام منجی - که قلب جهان است - حالتی ویژه دارد و با انتظارات دیگر تفاوتی اصولی. انتظار ما، به فراخور روان‌ها و اندیشه‌هایی که در انتظار به سر می‌برند و با شور و سوز و احساس‌هایی که منتظران دارند، ارتباط دارد و ژرفایی و گستردگی آن در همین رابطه مشخص می‌گردد. هر کس، در ارتباط با پایگاه فکری و آرمانی و نوع هدف‌ها و احساس‌هایی که دارد، در انتظاراتی متناسب به سر می‌برد. هدف و آرمان، هر چه والاتر باشد، انتظار تحقق آن و فرا رسیدن روزگار شکوفایی آن نیز بیش‌تر و شورانگیزتر است. بنا بر این اصل، انسان‌های بزرگ و احساس‌مندی که در اندیشه‌ی ساختن جامعه‌ی انسانی‌اند و به آرمان‌والای حقوق انسان و ارزش انسان فکر می‌کنند و همواره تفسیر درست و معقول انسان را در کتاب تکوین و تدوین می‌جویند و در راه این هدف بزرگ از احساس‌های الهی - انسانی پر شوری برخوردارند، انتظاری متناسب با این آرمان بزرگ دارند و آمادگی و تلاش‌ها و کوشش‌هایشان، هماهنگ با عظمت آرمان‌شان است. از این رو چنین انسان‌هایی، تمامی نیروها و امکانات خود را بر سر این آرمان می‌نهند و تا واپسین لحظات حیات، دست از تلاش بر نمی‌دارند و سرانجام، زندگی را نیز فدا می‌کنند! نمونه‌های کامل این انتظارات و آمادگی‌ها و آرمانگرایی‌ها را در زندگی پیامبران‌علیهم‌السلام می‌بینیم. پیامبران، با همه‌ی تفاوت‌هایی که در محیط‌ها و جریان مبارزات خویش داشتند، در اصول و هدف‌ها و نوع فداکاری‌هایی که برای دستیابی به آن انجام می‌دادند، مانند هم بودند. پیامبران الهی، در هر دوره‌ای که رسالت یافتند، به سعادت انسان‌ها اندیشیدند و برای این مهم، کاملاً آمادگی داشتند و در انتظار چنین هدفی به سر می‌بردند. سراسر تاریخ، گواه راستین چنین انتظارات و آمادگی‌ها و احساس‌های پر شور و فداکاری‌های بی نظیر و هدفداری‌های بی‌مانند است. پیروان پیامبران و دیگر انسان‌های دل‌سوز نیز همواره در راه آرمان‌هایشان تلاش کردند و در انتظار پیدایی و تحقق هدف‌های والا، زندگی خویش را به سر آوردند. بنابراین، همه‌ی انسان‌های صالح و هدفدار، در همه‌ی دوران زندگی، دارای خصلت انتظار بوده‌اند، و انتظار، تحقق بخش جوهر اصلی حرکت و عمل ایشان بوده است. لذا می‌توان گفت، انتظار، مفهومی جامع و فراگیر در همه‌ی ادوار تاریخ انسان بوده است. امام مهدی (عج) می‌داند که با قیام خود چه حوادثی پدید می‌آورد و چه تحوّل و دگرگونی در زندگی ما ایجاد می‌کند و انسان‌ها را به چه اوج و فرازی می‌رساند و چه موانعی از سر راه انسان برمی‌دارد و چه دردها و رنج‌ها و نادانی‌ها و گمراهی‌ها و محرومیت‌ها و دیگر نابه‌سامانی‌هایی را ریشه کن می‌کند، از این رو، همواره و هر لحظه، انتظار به وقوع پیوستن آرمان‌های بزرگ الهی و انسانی را دارد. این انسان صالح و نمونه‌ی الهی که نسخه‌ی دومی ندارد، به هدف‌های خود عشق می‌ورزد، و عشق او به هدف‌هایش، شایسته‌ی والایی مقام و بی‌کرانی روح با عظمت او است. رسالت او و فلسفه‌ی غیبت او، همه و همه، در این خواست الهی نهاده شده است. وجود او و آرمان‌ها و عشق‌ها و مهربانی‌های او، همه، خدایی است. او، جز به حق و رضای او، به چیزی نمی‌اندیشد و به سعادت انسان و نجات اجتماعات بشری نیز عشقی الهی دارد، و انتظار او برای تحقق این آرمان‌ها نیز خدایی است. در برخی از احادیث، انتظار فرج، برترین کارها به شمار آمده است. شاید یکی از علل این گونه آموزش‌ها، این بوده است که پیروان امام مهدی (عج) بکوشند تا خود را به امام‌شان نزدیک کنند و مانند او بیندیشند و امت با امام، در انتظار به سر برند. در حالت انتظار، بهترین شیوه‌ی پیوند و همسویی و همدلی با امام نهفته است، و غفلت از انتظار و معنای صحیح آن، باعث بی‌خبری و بی‌احساسی نسبت به سوزها و شورهای امام موعود است. شاید در دوران غیبت انتظار راستین برای فرج، نخستین راه بیعت و هم‌پیمانی با امام موعود باشد؛ زیرا، انتظار، حضور در متن جریان‌ها و حوادث پیش از ظهور است و مایه‌ی یادآوری هدف‌ها و آرمان‌های امام موعود (عج) و زمینه‌ی آگاهی و هوشیاری و بیداری همیشگی است. در حال انتظار نبودن، به معنای غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌خبری است، پس چه سان می‌توان خود را منتظر دانست و در انتظار مقدم‌گرمی امام بود، و محضر او را درک کرد؟ از این نظر، جامعه‌ی منتظر، باید چون خودِ امام، منتظر باشد و هر حادثه‌ی عظیم و ویران‌کننده و هر بازدارنده و یأس‌آفرینی، او را از تحقق هدف‌های

مورد انتظار مایوس نکند و در راه آن هدف‌ها از پویایی و تلاش باز ندارد و همواره به امام خود اقتدا کند. تأثیرهای تربیتی - اجتماعی مهدویت بر جامعه، شامل شاخصه‌هایی می‌گردد که به نوعی در ابعاد تربیتی انسان‌های جامعه اثر می‌گذارد. بارزترین نمونه‌ی تأثیرهای تربیتی - اجتماعی مهدویت، عبارت است از:

ایجاد روحیه امیدواری به آینده‌ای روشن

ما، انسان‌ها، منتظر تحقق ارزش‌ها هستیم، ولی به طور فردی و به طور نوعی، آن‌ها را نمی‌بینیم؛ یعنی، نوع انسان متعارف، در تحقق این‌ها در زندگی جمعی، شکست خورده است. حال آیا باید انسان، دچار یأس شود و خود را بازدارد؟ انتظار مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه، پیام امید است و به بشر سرخورده، امید می‌بخشد و می‌گوید، روزی، یک مرد الهی، آن‌چه را آرزوی تو است، یقیناً، برآورده خواهد کرد. یکی از ویژگی‌های نسل منتظر، امیدواری و نگرش مثبت به آینده‌ی جهان است. اگر ما خودمان را در این شرایط ببینیم و تصور کنیم که منتظر دادگستر و عدل گستر جهان هستیم، برای برپایی آن اهداف تلاش خواهیم کرد. اگر امید نباشد، انسان، دچار افسردگی خواهد شد. اگر باور داشته باشیم جهان آینده، به دست نااهلان اداره خواهد شد، احساس ناامیدی و خطر خواهیم کرد. بنابراین، اعتقاد به مصلح جهانی، از نظر روانی هم برای جامعه‌ی بشری، ارزش عظیم و فراوان دارد؛ زیرا، اگر ناامیدی و یأس، در فردی زنده شود، سعادت و خوشبختی آن فرد، در معرض سقوط حتمی قرار خواهد گرفت. مفهوم امیدواری، دارای دو بُعد «ذهنی» و «عینی» است. منظور از امیدواری در بُعد ذهنی، مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه‌ها، عادات، خوی‌های مثبت است که شخصی امیدوار، در حیطه‌ی ذهن خود از آن برخوردار است. منظور از امیدواری در بُعد عینی، مجموعه اعمال، رفتارها، کنش‌ها، واکنش‌هایی است که شخص امیدوار، به نحو مثبت و جهت‌دار و فعال، در مواقع گوناگون، از خود نشان می‌دهد. هر یک از این ابعاد، خود دارای مؤلفه‌هایی است که با بررسی آن مؤلفه‌ها، می‌توان به میزان وجود روحیه‌ی امیدواری در اشخاص پی برد. نمودار زیر، این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

غایت‌مند سازی خلقت

در تربیت، بر این نکته تأکید می‌شود که زندگی بی‌هدف، قطعاً، به پوچی و به بحران هویت می‌انجامد. برای جلوگیری از شیوع این روحیه، خصوصاً در جهان صنعتی که مشکلات فراوانی را پیش روی انسان‌ها قرار می‌دهد، باید به کانونی برای حرکت و تلاش، توجه کرد. اندیشه‌ی مهدویت، می‌تواند به انسان بیاموزد که جهت رسیدن به «جامعه‌ی آرمانی به محوریت امام مهدی (عج)»، همواره باید به این کانون فکر کرد و فعالیت‌های خود را بدان سو معطوف ساخت. طبیعی است که این فعالیت، انسان، را از پوچی می‌رهاند و به سوی زندگی مالا مال از حرکت و نشاط سوق می‌دهد. از دیدگاه چنین انسانی، عدالت، نه تنها در قیامت و جهان واپسین، بلکه در همین دنیا هم جاری خواهد شد. بدین ترتیب، انسان، خود را در سرنوشت جهان، مؤثر می‌بیند و بنابراین می‌کوشد به دست خود بهترین جهان را بسازد. ادیان، همواره، عنصری دارند که در دین‌شناسی به آن «اسکاتولوژی (غایت‌شناختی)» می‌گویند. ادیان، بلکه همه‌ی مکاتب، همواره، غایتی را برای بشر ترسیم می‌کنند. غایت‌شناختی، جزء عناصر اساسی ادیان است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، ادیان، برای استحکام بخشیدن به اخلاق، نیاز به پشتوانه‌ای در انتها و آن سوی این زندگی دارند. به بیان دیگر، این جهان، زمان‌مند است و روزگاری به پایان خواهد رسید، پس برای بررسی اعمال و داوری درباره‌ی آن‌ها، باید دنیای دیگری باشد. دقیقاً، در این وضع است که نیک و شر معنا می‌دهد. بنابراین، اخلاق، در چنین شرایطی معنا می‌دهد و ارزش‌های اخلاقی به کمک چنین غایت‌شناختی، تحکیم می‌شوند.

عناصر غایت‌گرایانه در ادیان

به نظر می‌رسد که دو عنصر غایت‌گرایانه در ادیان وجود دارد: الف) روز داوری و روز بازپسین؛ در این روز، حساب اعمال بشر رسیده خواهد شد و اعمال شر را جزا خواهند داد و خیر را پاداش ب. موعود گرایی؛ موعود گرایی نیز نوعی غایت‌شناختی ادیان است. موعود گرایی، نهایی را برای حرکت جوامع ترسیم می‌کند. نه تنها در اسلام، بلکه در ادیان دیگر نیز ما شاهد پیدایش و رشد این عنصر هستیم. موعود گرایی و هزاره گرایی را در پایان سال دو هزار شاهد بودید. با شکوه‌ترین جشن‌ها، در این روز بود. این جشن، برای جهان غرب، فقط یک تفریح نبود. بسیاری از مسیحیان و یهودیان، چشم انتظار پایان این هزاره بودند؛ زیرا، در پایان این هزاره، وعده‌هایی به بشر داده شده بود. در اسلام، غایتی داریم به نام «روز داوری» یا «روز بازپسین»، که اعمال در آن روز، داوری خواهند شد. نکته‌ای که جای دقت دارد، این است که «موعود گرایی و انتظار منجی، چرا حلقه‌ای از آن است؟». باقی گذاشتن یک حلقه در انتهای این سلسله، نشانه‌ی چیست؟ به نظر می‌رسد که این حلقه‌ی پایانی می‌خواهد به ما بگوید، این ایده، در تاریخ پاسخ گوی نیاز انسان‌ها است. اگر ما، عدل علی‌علیه السلام و تمام فضایل را در یک جامعه‌ی کوچک می‌بینیم، مهدویت، نهایت این فضیلت‌ها است. مهدویت، معنایی نزدیک به معنای روز داوری یا روز بازپسین دارد. مهدویت، در این جا، تجلی والا-ترین و برترین نمونه‌ی عدالت، شفقت، رحمت، برادری، مساوات، زیبایی، خردورزی است، نهایی که برای جامعه‌ی بشری ترسیم شده است. [۸].

تأثیرهای سیاسی - اجتماعی

اشاره

مراد از تأثیرهای سیاسی - اجتماعی مهدویت، مجموعه‌ی فرایندهای سیاسی است که به سبب اعتقاد به مهدویت در جامعه ایجاد می‌گردد. اعتقاد به مهدویت، تأثیرهای سیاسی فراوانی بر جوامع گوناگون داشته است. برخی از نمونه‌های این تأثیرها بر جامعه عبارت است: ۱- ایجاد جنبش‌ها و قیام‌های دینی علیه ظلم و ستم با محوریت اندیشه‌ی مهدویت؛ برخی از جنبش‌هایی که با محوریت موعود گرایی به نحو عام، در جهان صورت پذیرفته است، عبارت است از جنبش‌های هزاره گرا در کنگوی بلژیک و فرانسه، ولتای علیا، سیرالئون، تانگانیکا، فیلیپین، اندونزی، ویتنام، هاییتی، برزیل، آرژانتین، پرو، جامائیکا،... به اعتقاد شیعیان و اغلب دانشمندان و علمای اهل سنت و نیز واقعیت تاریخی، پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به ویژه پس از شهادت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام، اسلام، از مسیر اصلی و مستقیم خود خارج شد و تعصبات نژادی و اشرافیت، دربار خلفا را فرا گرفت و روز به روز جامعه از شعائر اسلامی فاصله گرفت و عدالت اجتماعی رخت بر بست و تفاخرات قومی و مذهبی و به دنبال آن تبعیض‌های اجتماعی، سراسر جامعه‌ی اسلامی را فرا گرفت. رهایی از ظلم و جور حکام ستمگر به ظاهر مسلمان و بازگشت به دوران معنوی و بی‌آلایش و مساوات اسلامی صدر اسلام، آرمان همه‌ی دردمندان مسلمان از عالم و عامی بود، اما واقعیت آن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرده بود و جامعه‌ی اسلامی به دلیل سال‌ها و قرن‌ها دوری از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله احیای آن دوران محال می‌نمود، ولی خاطره‌ی دوران کوتاه و طلایی صدر اسلام، آرمان اجتماعی همه‌ی مصلحان و رهبران نهضت‌های سیاسی - اجتماعی در جهان اسلام بوده است. در این میان، شیعیان، به دلیل اعتقاد به ظهور امام دوازدهم، حضرت مهدی (عج) که از نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و منجی دین و آیین او است، این آرمان را نه یک رؤیا، بل واقعیت می‌دانند و دوران سیاه ظلم و شقاوت ستمگران را ناپایدار و زود گذر می‌پندارند و با امید به ظهور آن امام همام و پیروزی وی بر ظالمان، در انتظار گرفتن انتقام مظلومیت خود و هموعان خویش، آرزوی «فرج» می‌کنند و آلام خود را تسکین می‌دهند. انتظار، در تاریخ شیعه و اسلام، صورت‌ها

و جلوه‌های گوناگونی داشته که در این مقاله، به اجمال، به آن‌ها اشاره می‌شود:

انتظار توأم با صبر

پس از حملات ویرانگرانه و وحشیانه‌ی کافران مغول به ایران، و حاکمیت یافتن آنان بر جان و مال و ناموس مردم، شیعیان، نشانه‌های ظهور را نزدیک می‌دیدند. یاقوت حموی، مورخ معروف قرن هفتم می‌نویسد، در سال‌های نخست حمله‌ی مغول، در شهر کاشان - از کانون‌های عمده‌ی تشیع در ایران - مردم شهر، هر روز، هنگام سپیده دم، از دروازه خارج می‌شدند و اسب زین کرده‌ای را یدک می‌بردند تا حضرت مهدی (عج) در صورت ظهور بر آن اسب سوار شود. [۹]. در زمان فرمانروایی سربداران نیز نظیر همین عمل در شهر سبزوار - که یکی از مراکز تشیع شمرده می‌شد - معمول بوده است و به طوری که می‌خوانند در روضه‌الصفاء می‌نویسد: «هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان علیه السلام اسب کشیدندی.» حسام الدین محمد بن حسام کوهستانی که یک روستایی شاعر پیشه بود و دیرتر از عصر یاد شده می‌زیست و در حدود ۸۷۵ ق در گذشت، منظومه‌ای به نام خورشید نامه، در مدح امیرمؤمنان علیه السلام و امام عصر علیه السلام تألیف کرده است. [۱۰].

ادعای مهدویت

برخی از ناآگاهان، با اطلاع از نارضایی عمومی جامعه و اعتقاد عموم شیعیان به ظهور امام زمان (عج)، ادعای مهدویت کردند تا با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و ستم را برچینند. برخی نیز اعتقادات و احساسات پاک مردم را ابزاری برای کسب قدرت خود کردند. در سال ۶۶۵ قمری، قیام بزرگ مردم فارس، تحت رهبری شیخ شرف الدین - که خود را مهدی خوانده بود - به وقوع پیوست که به شدت سرکوب شد. [۱۱]. در سال ۸۴۵ قمری، نیز قیام مشابهی در خوزستان ایجاد شد که در رأس آن سید محمد مشعشع، از شیعیان افراطی (غالی)، قرار داشت. وی، خود را «مقدمه‌ی ظهور امام غایب می‌خواند و پیشگویی می‌کرد که وی به زودی ظهور خواهد کرد و عدل و داد بر روی زمین برقرار خواهد شد. به گفته‌ی یکی از مورخان، حدود ده هزار نفر در زیر لوای او گرد آمدند و در محلی میان هویزه و شوشتر، علم عصیان را برافراشتند و امیران و فئودال‌های محلی را از میان بردند. قیام آنان موجب نگرانی امرای فارس گردید. از این رو لشکر فارس به قصد سرکوب وی آمد، امیران آن‌رو که پیروان مشعشع، «فدایی» او بودند و مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند، مردانه پایداری کردند و لشکر فارس شکست خورد. [۱۲]. گذشته از شیعیان امامیه و سرزمین ایران، نهضت‌های سیاسی - اجتماعی متعددی به دست شیعیان غیر امامیه و نیز اهل سنت، ضد دولت‌های وقت به وقوع پیوست که رهبران آن‌ها، داعیه‌ی مهدویت داشتند. این قیام‌ها، غالباً، از پایگاه اجتماعی نیرومند و حمایت‌های وسیع مردمی برخوردار شدند. در این جا به اختصار، به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- عبدالله بن میمون (م ۲۵۱)، از اعراب خوزستان بود. وی، به مقام «داعی» اسماعیلی نایل شد و از طرف امام مستور (امام زمان)، در خوزستان دعوت و تبلیغ می‌کرد. او، ناگزیر پنهان شد و نخست در بصره پناهگاهی جست و سپس به سلامیه (سوریه) گریخت و در آن جا به تبلیغ پرداخت و مبلغانی به اطراف گسیل کرد. آنان، به مردم می‌گفتند، به زودی، امام مستور (صاحب الزمان) - که مهدی موعود است - ظهور خواهد کرد. ۲- در فاصله‌ی قرن‌های سوم و چهارم هجری، در سوریه (شامات)، داعیان اسماعیلی شایعاتی منتشر کردند که مهدی علیه السلام ظهور کرده و او همان عبیدالله، امام اسماعیلی است که نام‌اش تا آن اواخر، مستور بوده است. مسلم است که عبیدالله، خواست از قرمطیان در عراق و سوریه استفاده کرده، قدرت را در دست گیرد. وی، در سال ۲۸۷ قمری در رأس قیام سوریه قرار گرفت و پس از سرکوب قیام‌اش، هم‌زمان و همفکران خود را به دست سرنوشت سپرد و در میان لعنت و نفرین، در سال ۲۸۹ قمری به مصر گریخت و از آن جا راهی مغرب (مراکش) شد. مدت‌ها بود که در مغرب، وقایع سیاسی بسیار مهمی جریان داشت. در سال ۲۸۲ قمری، از مرکز

اسماعیلیه سلامیه (سوریه)، مبلغی جدی و بلیغ به نام ابو عبدالله شیعی - که اصلاً از سرزمین یمن بود - بدان جا گسیل شده بود. وی، نخست، محتسب (حسابدار) بصره بود و پس از آن، به اسماعیلیه پیوسته بود. او، در تونس، از نارضایی بربرها از سیاست داخلی دودمان محلی اغالبه (۱۸۴ - ۲۹۷ قمری) استفاده کرد. بربران، در ۲۹۷ قمری قیام کردند و سلطنت اغالبه را سرنگون ساختند. عبدالله، در اوایل زمستان ۲۹۸ قمری، در شهر رقاده، به سمت امامت و خلافت، اعلام شد و امیرالمؤمنین و «مهدی» نامیده شد. ۳- در فاصله‌ی قرن‌های سوم و چهارم هجری، رهبران قیام‌های قرمطی، یعنی حمدان قرمط و عبدان گویا، از طرف رییس پنهانی فرقه که «صاحب‌الظهور» نامیده می‌شده و محل اقامت‌اش مجهول بوده، عمل می‌کردند. پس از تأسیس دولت قرمطیان در بحرین (۲۸۶ ق) - که مرکز آن شهر لحسا بوده -، ابو سعید حسن الخبایی که گویا از طرف «صاحب‌الظهور» یا رییس مخفی فرقه‌ی به آن جا گسیل شده بود، در رأس آن قرار گرفت. وی، عملاً، در حکومت خویش کمال استقلال را داشت. ۴- محمد بن عبدالله تومرت، معروف به مهدی اهرعی، مکئی به ابو عبیدالله - که اصل او از جبل السوس در انتهای مغرب (مراکش) بود - به سرزمین‌های شرقی سفر کرد و به عراق رفت و از ابو حامد محمد غزالی و دانشمندان دیگر دانش آموخت و به زهد و پرهیزگاری و تقوا شهرت یافت. سپس به مصر و شمال آفریقا رفت و سرانجام در مغرب سکونت گزید و دولت بزرگی در اوایل قرن ششم تأسیس کرد که به دولت عبدالؤمن شهرت یافت. [۱۳]. ۵- عباس فاطمی، در اواخر سده‌ی هفتم هجری در مغرب ظهور کرد و خود را «مهدی» نامید و هواداران زیادی دور خود جمع کرد و کارش بالا گرفت و شهر مانس را تصرف کرد و بازار شهر را سوزاند و عاملان خود را به اطراف و اکناف فرستاد، لکن پیش از آن که دولتی تشکیل دهد، کشته شد و دعوی او پایان یافت. [۱۴]. ۶- محمد مهدی سنوسی، در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) در مغرب، ادعای مهدویت کرد. اصل او از جبل سوس بود. پدرش شیخ محمد در ناحیه‌ی جغبوب (جربوب)، نزدیک واخه سیوا اقامت داشت. علاوه بر آن جا - که مقر اصلی او بود - نزدیک به سیصد زاویه در بلاد مغرب دایر کرده بود که به نشر تعالیم او پرداختند. وی، پیش از وفات خود، اشاره کرده بود که مهدی منتظر، به زودی، ظهور خواهد کرد و شاید پسرش باشد و ظهور او در آخر قرن سیزدهم خواهد بود. مهدی، مردی خردمند و مقتدر و سخت‌کوش بود و از کرامات مشهور او خیمه‌ای جادویی بود که در جنگ‌ها همراه می‌برد و پیروان‌اش معتقد بودند که آن خیمه، هیچ‌گاه از ذخایر و آذوقه تهی نمی‌شود. ۷- محمد احمد سودانی، معروف به مهدی سودانی (۱۸۴۸ - ۱۸۸۵ میلادی / ۱۲۶۴ - ۱۲۹۲ قمری)، از مهم‌ترین و معروف‌ترین مدّعیان مهدویت بود. وی، از قبیله‌ی دناقله بود و در سودان به دنیا آمد. پدرش عبدالله نام داشت و به قایق‌سازی مشغول بود. محمد احمد، به تعلّم علوم دینی پرداخت و مراتب طریقت را نیز گذراند و با نرم‌خویی و تیزهوشی و سخنوری خود و از همه مهم‌تر، زهد و تقوای خویش - که زبانزد همگان بود - مردم را به خود جذب کرد. او، به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و مردم را به رعایت موازین شرعی دعوت کرد. در سال ۱۸۸۱ میلادی / ۱۲۹۷ قمری که زمینه‌ی دعوت خود را مهیا دید، ادّعای مهدویت کرد و خود را همان مهدی منتظر علیه السلام نامید. آن چه موجب دعوی محمد احمد گردید، به‌طور عمده، به این شرح است: الف) انتظار اکثر مسلمانان و از آن جمله مردم سودان برای ظهور مهدی علیه السلام؛ ب) اعتقاد شیوخ قبایل و فقهای سودان بر این که مهدی علیه السلام از میان آنان ظهور خواهد کرد. آنان، این عقیده را به روایاتی از اهل سنت مستند می‌کردند؛ ج) دریافت مالیات سنگین از مردم سودان که همراه با فشار و آزار و توهین به مالیات دهندگان بود. از زنان و کودکان سودانی نیز، مالیات گرفته می‌شد. مردم سودان، سالانه، سه بار مالیات می‌پرداختند: یک بار برای فرماندار، و یک بار برای قاضی، و یک بار برای مأموران مالیات. کشاورزان، برای کشت گندم، استفاده از آب نیل و قایقرانی در نیل نیز مالیات می‌دادند و خانه‌های کسانی که در پرداخت این مالیات‌ها تأخیر می‌کردند، سوزانده می‌شد. (د) خرید و فروش مردم سودان به عنوان «برده»، تجارت پر درآمدی برای تجار سودانی بود. صدها هزار نفر از جوانان سودانی، به عنوان کارگر و خدمتگزار، به قیمت نازلی خریداری شده و با قیمت گزافی فروخته می‌شدند و به کارهای شاق و طاقت‌فرسا در سرزمین‌های دور دست می‌پرداختند. مأموران دولتی از

برده‌فروشان، مالیات مطالبه می‌کردند. وقتی دعوت محمد احمد سودانی گسترش یافت، تجار ناراضی سودانی، دعوت او را لیبیک گفته و در تقویت او کوشیدند. مهدی سودانی، چند بار با نیروهای مصری - انگلیسی جنگید و آنان را شکست داد و شهر خارطوم را به تصرف خود در آورد و دولت مستقلی تشکیل داد. مهدی سودانی، با قدرت تمام، به سازماندهی حکومت خود پرداخت و امور کشور را به سه بخش لشکری و مالی و قضایی تقسیم کرد و فرماندهی لشکر را به خلیفه‌ی خود، عبدالله تعایشی سپرد. او، از طریق اخذ زکات و فطریه و عشریه، کشور را اداره می‌کرد و در اجرای شریعت، سختگیر بود. او، پیش از مرگ در ۲۱ ژوئن ۱۸۸۵ میلادی، عبدالله تعایشی را به جانشینی خود برگزید و از همگان خواست تا با او بیعت کنند. [۱۵]. ۸- در ایران نیز در سال ۱۲۶۵ قمری، یکی از شاگردان سید کاظم رشتی به نام سید علی محمد شیرازی، خود را نماینده و باب امام زمان علیه السلام دانست و پس از این که گروهی به او گرویدند، دعوی مهدویت کرد. علما، با ادعای پوچ او، مخالفت کردند. او، با فشار علما، در جلسه‌ی مناظره شرکت کرد، اما از پاسخ‌های اولیه در ماند و پس از آن که چوب مفصلی خورد، توبه کرد و آزاد شد، اما بار دیگر دعوت‌اش را ادامه داد و سپس دستگیر و در قلعه‌ی چهریق زندانی گردید. پیروان‌اش با حمایت سفرای روسیه و انگلستان، در گوشه و کنار کشور، شورش ضد دولتی به راه انداختند، اما این شورش‌ها، با هوشیاری و مقاومت مردم و همکاری قشون دولتی، سرکوب گردید و باب نیز اعدام شد. بدین ترتیب، دعوی باب که می‌رفت تا کشور را به هرج و مرج و دودستگی و نهایتاً تجزیه بکشاند، در نطفه خفه گردید. [۱۶].

ایجاد انقلاب‌های سیاسی در جوامع

اشاره

نمونه‌ی بارز انقلاب‌هایی که با توجه و عنایت به بُعد موعودگرایی رخ داده است، انقلاب اسلامی ایران است. به اعتقاد شیعه، ظهور حضرت مهدی (عج) و شکل‌گیری حکومت عدل جهانی، از یک اعتقاد صرف فراتر رفته و هویت شیعی را در طول تاریخ شکل داده است. در نگاه شیعه، حکومت جهانی آن حضرت (عج) تحقق بخش مدینه‌ی فاضله است. تاثیر اندیشه‌ی مهدویت بر انقلاب اسلامی ایران، از چند حیثه قابل بررسی است: ۱- علل موجه‌ی حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران. ۲- علل و رمز موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی. ۳- علل تداوم و استمرار انقلاب اسلامی.

علل موجه انقلاب اسلامی

یکی از عوامل مهم شروع حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران، بی تردید، تفکر انقلابی شیعه است که مبتنی بر اصول اعتقادی برگرفته از اندیشه‌ی دینی، به طور عام، و اندیشه‌ی مهدویت، به طور خاص است. از مهم‌ترین این اصول، نفی ظلم و ستم و نفی سیل و سلطه‌ی کفار و نفی حاکمیت غیر الهی و حق مشارکت و حضور مردم و حق نظارت و احساس مسئولیت است. بر همین اساس، بیش تر فقهای بزرگوار شیعه، از جمله امام خمینی، در دوره‌ی غیبت، تشکیل حکومت اسلامی را واجب می‌دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقهاء، تشکیل حکومت داد، بر دیگران واجب است تا از او پیروی کنند و اگر تشکیل حکومت اسلامی به جز از راه قیام و اقدام دسته جمعی امکان‌پذیر نباشد، همگان، باید بدین مهم اقدام کنند و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد، باز هم باید به اندازه‌ی توان، احکام اسلامی را اجرا کنند. [۱۷].

علل پیروزی و موفقیت انقلاب اسلامی

به اعتقاد اندیشه‌مندان و تحلیل‌گران سیاسی، ایمان و اعتقادات دینی مردم ایران و رهبری انقلاب، از جمله عوامل مهم و مؤثر موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. رابرت گراهام، در این زمینه گوید: تغییرات انقلاب در ایران تحقق پیدا نمی‌کند، مگر آن که جامعه‌ی مذهبی و مرجعیت، از آن پشتیبانی کند. قیام پانزدهم خرداد، به سبب بازداشت آیه‌الله [امام] خمینی، و قیام ۱۳۵۷ مردم ایران به سبب توهین روزنامه‌ی اطلاعات به روحانیت و امام خمینی، و با انگیزه‌ی مذهبی و دفاع از رهبری دینی، به وقوع پیوست [۱۸]. آقای فرده‌الید، در بررسی عوامل پیروزی انقلاب اسلامی چنین گوید: «نخستین جنبه‌ی انقلاب اسلامی، خصیصه‌ی مذهبی بودن آن است...» [۱۹]. اندیشه‌ی مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی، به عنوان یک مکتب انتظار فلسفی - سیاسی، خود را نشان داده است؛ زیرا، انتظار، به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراضی و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. از این رو، انتظار، مرگب از دو عنصر سلبی و ایجابی است. عنصر سلبی، همان نارضایتی از وضع موجود و تلاش به منظور از بین بردن آن و ترک هر گونه همکاری با عوامل ظلم و فساد است. عنصر ایجابی، خودسازی فردی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت واحد جهانی امام زمان (عج) [۲۰] است. انقلاب اسلامی، با اعتقاد مردم شیعه‌ی ایران به پیروی از رهبری امام خمینی (ره) به عنوان نایب امام زمان (عج) و وجوب اطاعت و پیروی از ایشان به پیروزی رسید و هدف‌اش از بین بردن عوامل ظلم و فساد و تشکیل حکومت اسلامی و زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت واحد جهانی امام زمان (عج) است.

علل تداوم و استمرار انقلاب

مردم متدین ایران، انقلاب اسلامی را زمینه ساز ظهور امام زمان علیه السلام و مقدمه‌ای برای انقلاب اصلی امام عصر (عج) می‌دانند. با تفحص در کتاب صحیفه‌ی نور، سخنان ارزنده‌ای از حضرت امام خمینی قدس سره، بنیانگذار جمهوری اسلامی، درباره‌ی انتظار حضرت بقیه‌الله (عج) به چشم می‌خورد که دلالت بر این می‌کند که این مرد بزرگ زمان، خود را به عنوان یک خدمتگزار و سرباز امام زمان (عج) در عصر انتظار معرفی کرده و هدف انقلاب اسلامی را زمینه سازی برای ظهور آن حضرت می‌داند؛ زیرا، هدف از تشکیل حکومت اسلامی، گسترش اهداف دین برای رسیدن به حکومت واحد جهانی بوده است. حضرت امام (ره) می‌فرماید: [۲۱] از خداوند تعالی، مسئلت می‌کنم که ظهور حضرت ولی عصر، سلام الله علیه، را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدس‌اش روشن فرماید. ما، همه، انتظار فرج را داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید تلاش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ان شاء الله، تهیه بشود. در اندیشه‌ی مهدویت، لازمه‌ی انتظار، ایجاد زمینه‌ی ظهور و انجام دادن اصلاحات سیاسی و اجتماعی و آماده کردن جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام مهدی (عج) و تحولات اساسی است.

نکته‌ی آخر در بررسی بیشتر انقلاب‌ها

در بررسی بیش‌تر انقلاب‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که تأثیرهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن‌ها بر مجموعه‌ی جامعه، به عنوان یک کل، اثر می‌گذارد و این همان، اثری است که در ابتدای بحث، به عنوان «تأثیرهای غیر مستقیم مهدویت بر جامعه»، از آن نام برده شد. به عبارت دیگر، شاخص‌های سیاسی که از تفکر مهدویت ناشی می‌گردد، هم از بازتاب مستقیم اعتقاد به مهدویت متأثر می‌گردد و هم از بازتاب‌های غیر مستقیم آن.

پاورقی

- [۲] همان ص ۲۸۸، و النجم الثاقب، ص ۷۷۳.
- [۳] نهج الفصاحه، سخن ۱۱۸۹.
- [۴] النجم الثاقب، ترجمه، ص ۷۷۴.
- [۵] بحار الانوار جلد ۱۰۲، صفحه ۸۴.
- [۶] مفاتیح الجنان. زیارت حضرت صاحب الامر (عج).
- [۷] بحار الانوار جلد ۱۰۲ صفحه ۹۳.
- [۸] برگرفته از سخنرانی دکتر کوثری، از طریق سایت WWW.monjee.com.
- [۹] برگرفته از مقاله‌ی نقش انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام در نهضت سیاسی - اجتماعی اسلامی - محمد حسن رجبی، به نقل از: ای پ پطروشفسکی، نهضت سربداران خراسان، ترجمه‌ی کریم کشاورز تهران، پیام، چاپ سوم، ۱۳۵۱، ص ۱۵ و ۱۶.]
- [۱۰] همان، ص ۱۶.
- [۱۱] همو. اسلام در ایران، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۷۳.
- [۱۲] همان، ص ۳۸۰ و ۳۸۱، و نیز رجوع شود به کتاب مشعشعیان، نوشته‌ی احمد کسروی.
- [۱۳] جرجی زیدان، مشاهیر الشرق فی القرن التاسع عشر، جزء اول، ص ۶۱ - ۶۳.
- [۱۴] جرجی زیدان، مشاهیر الشرق فی القرن التاسع عشر، جزء اول، ص ۶۱ - ۶۳.
- [۱۵] برای اطلاع بیشتر از شرح حال مهدی سودانی رجوع شود به منبع فوق، ص ۶۱ - ۱۱۵، تاریخ سودان.
- [۱۶] برای اطلاع از دعاوی باب، رجوع شود به فتنه‌ی باب، نوشته‌ی اعتضاد السلطنه که کمی پس از رفع آن فتنه نوشته است.
- [۱۷] کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲ / ۴۶۶ - ۴۶۵، اسماعیلیان، قم.
- [۱۸] گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی، مهرعلی لطفی، انتشارات پرهیزگار، قم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲.
- [۱۹] همان، ص ۱۵۷.
- [۲۰] همان، ص ۶۴ و ۶۲.
- [۲۱] صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵، ۱۲/۴/۵۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

